

فرهنگستان

📅 سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۳
📰 شماره ۴۳۵۱
🌐 FARHIKHTEGANDAILY.COM
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

آیا جهان در برابر ایده‌های استعماری ترامپ واکنشی خواهد داشت؟

نه به قلدریسم



سیدمهدی طالبی، پژوهشگر حوزه بین‌الملل

آمریکا روزی با آزادی‌خواهان خود از امپراتوری انگلیس اسستقلال گرفت، با تلاش مهاجران به قدرت اقتصادی تبدیل شد و با زور نظامی در دو جنگ جهانی به پیروزی رسید. حالا اما این ظرفیت بزرگ به جایی رسیده‌است که با ناکامی ابزارهای مختلف برای تحقق اهداف بزرگ این کشور، در تلاش است با «لولوی ترامپ» به پیشرفت ادامه دهد.

کاری را که تلاش‌های ملی و ابزارهای مؤثر نتوانند انجام دهند، پیرمردی ۷۹ساله که تلاش می‌کند مبهم به نظر برسد و حرف‌های عجیب بزند، قادر به اجرای آن نیست. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا نیز همانند جورج بوش، باراک اوباما و جو بایدن سوار بر صندلی قدرت در آمریکا و ظرفیت‌های قابل توجه این کشور تحرکاتی عظیم خواهد داشت، اما همانند آن‌ها ناکام می‌ماند. به کارگیری زور توسط ترامپ ناشی از توان مدیریتی وی نیست و چیزی بر توان آمریکا اضافه نمی‌کند و از این رو باید صحنه را شناخت تا فریب وی را نخورد. اگر او به جایی حمله کرد که بایدن یا اوباما و بوش به آن نتاخته بودند، این مسئله به معنای تغییر در توان آمریکا نیست، بلکه تلاشی برای نشان دادن یا نمایش ظرفیت بالاست؛ بدون آنکه این ظرفیت واقعاً وجود داشته باشد.

مطرح کردن چشم‌دشلت‌ارضی به کشورهای مختلف مانند کاناداییکی از حوزه‌های فعالیت رئیس‌جمهور جدید آمریکاست. ترامپ روز یکشنبه در گفت‌وگو با شبکه «فاکس نیوز» در واکنش به اظهارات اخیر «جاستین تروود» نخست‌وزیر کانادا پیرامون جدی بودن خواست ترامپ برای الحاق کانادا به آمریکا تأکید کرد: «بله کاملاً جدی‌ام. کانادا در صورت الحاق به آمریکا وضعیت بسیار بهتری خواهد داشت.» در همین حال، گمانه‌زنی‌هایی درباره استفاده رئیس‌جمهور آمریکا از زور و قوای نظامی علیه کانادا وجود دارد.

مایکالوتز، مشاور امنیت‌ملی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، شامگاه یکشنبه در پاسخ به‌سؤالاتی در این خصوص گفت: «فکر نمی‌کنم رئیس‌جمهور برنامه‌ای برای حمله به کانادا داشته باشد.»

با این حال، او با دخالت در امور کانادا ادعا کرد: «بسیاری از کانادایی‌ها، ۱۰ سال گذشته حکومت لیبرال و مترقی در دوره تروود را دوست ندارند.» موضوعی که نشان‌دهنده متغنی بودن استفاده از قوه قهریه نیست، بلکه حکایت از تلاش برای تحقق اشغال آمریکا با ابزارهای سیاسی در وهله اول دارد.

هم‌زمان ادعاهای ارضی آمریکا در قبال کانادا، گرینلند و غزه برای اشغال کامل آن‌ها، ادعاهایی از سوی ترامپ در خصوص پاناما و اوکراین نیز وجود دارد که در صورت تحقق، ضربه‌ای به استقلال این کشورها خواهد بود. ترامپ به‌دنبال تسلط بر کانال پاناما و همچنین معادن اوکراین است.

نکات

توسعه‌طلبی ارضی آمریکا که قرار است تحت‌زعامت ترامپ پیگیری شود، اهداف و ابعادی دارد که در ادامه تلاش شده مورد بررسی قرار گیرد.

۱. نوع حرکت کنونی آمریکا، حرکتی رک بوده و پیچیدگی خاصی ندارد. این نوع تصمیم‌گیری در هنگام بروز تنگنای مدیریت ذهنی و از دست رفتن نظارت بر روندها رخ می‌دهد.

آمریکا در دهه‌های اخیر طرح‌های زیادی را برای تضمین هژمونی جهانی خود اجرایی کرده که هرکدام با وجود صرف هزینه‌های کلان ناکام مانده‌اند. در نتیجه به جای طرح‌های پیچیده مانند اشغال افغانستان و عراق و یا بازیگری در تحولات موسوم به پیمادری اسلامی، در تلاش است تا با تهدیدات مختلف و خارق‌العاده که حکم شوت‌های محکم و از راه دور را دارند، به اهداف خود دست یابد.

هرچند برخی نظری‌های پایه اصلی اقدامات گذشته آمریکا بودند، اما طرح‌های این کشور دارای سو‌یهای دیگری نیز بوده و از طراحی‌هایی که در طولانی مدت صورت گرفته بودند، پیروی می‌کردند.

به نظر می‌رسد سیاست کنونی آمریکا همانند طرح‌های پیشین زمان زیادی برای طراحی نبرده و فاقد بسیاری از پایه‌هاست و به جای آن می‌کوشد از ناگهانی بودن و اعمال فشار حداکثری برای تحقق اهداف استفاده کند. یکی از غافلگیری‌های سیاست‌کنونی منحصرب‌نودن به جهان اسلام است، به‌گونه‌ای که قرار است دوستان و متحدان آمریکا بلعیده‌شوند.

۲. آمریکا به دلیل احساس ناتوانی از تحقق اهدافش در زمین رقابت‌های جهانی درصدد تغییر زمین بازی است. زمین بازی کنونی نبرد فناوری و اقتصاد است که آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند بار دیگر از نظر نظامی و ژئوپلتیکی به فعالیت بپردازند.

شوریدن آمریکا بر علیه قوانین تجارت آزاد که به محدود کردن شرکت‌های رقیب منجر می‌شود، خروج واشنگتن از ریل اصلی رقابت‌ها را نشان می‌دهد. ترامپ قصد دارد پس از پاسخ‌های ترفه‌ای و تحریمی به رشد چین و دیگر قدرت‌های نوظهور، با تسلط بر کانادا و تضعیف اروپا، از طریق اهرم‌های ژئوپلتیکی نفوذ فناوری و اقتصاد چین در جهان را مسدود کند.

۳. تلاش آمریکا برای تسلط بر کانادا و پاناما برای بستن مسیرهای نفوذ دیگران به محیط سرزمینی این کشور صورت می‌گیرد. در شرایطی که آمریکا خود در حال محدود کردن هزینه‌های نفوذ از طریق مسائل اقتصادی و مهاجرتی است، آزادی ارتباط کانادا و مکزیک می‌تواند به شکل‌گیری کانون‌های بحران بر علیه واشنگتن منجر شود.

اگر با نایبشت مهاجران در کانادا و مکزیک ماهیت جمعیتی این دو کشور بیشتر دست‌خوش تغییر قرار گرفته و از نظر اقتصادی نیز تقویت شوند، موضوع آمریکا تضعیف می‌شود. ترامپ می‌داند بستن فضای داخلی آمریکا باعث می‌شود مهاجرانی که علاقمند به حضور در آمریکا شمالی اند، به کانادا سرازیر شوند؛ همچنین سر‌مایه‌گذاران تولیدی و مهاجرانی که به‌کار مشاغل می‌آیند، در مکزیک متمرکز خواهند‌کشد. در این صورت فناوری و علم در کانادا تولید در مکزیک رشد بیشتری خواهد داشت، در حالی که به شکل موقت آمریکا در این دو حوزه با کاهش مواجه خواهد بود. این پدیده می‌تواند موضوع واشنگتن را در برابر اتاوا و مکزیکوسیتی تضعیف‌کند.

۴. آمریکا در رقابت با کشورهایایی که از آن قدرت کمتری دارند با مشکل مواجه شده است. دلیل اصلی این اتفاق فاصله زیاد است. این کشور برای مهار روسیه بر اوکراین، مهار چین بر تایوان و مهار ایران بر رژیم صهیونیستی اتکا دارد.

آمریکا در اطراف روسیه متحدان دیگری نیز دارد، اما آن‌ها همانند اوکراین حاضر به فداکاری در مسیر اهداف واشنگتن نیستند؛ همان‌گونه که ژاپن و کره جنوبی همانند تایوان بی‌مها با چین را به چالش نمی‌کشند. در غرب آسیا نیز در فقدان حکومت صدام در عراق، متحدان بزرگ آمریکا همانند ترکیه و عربستان سعودی حاضر نیستند

فرهنگستان

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

ترامپ و نتانیاهو دنبال چه هستند؟

با حمایت آمریکا باشد؛ این موضوع با سیاست‌های تاریخی صهیونیسم برای گسترش قلمرو هم‌سو است.

۳. تضعیف هویت سرزمینی فلسطینی: با جابه‌جایی فلسطینیان به خارج از غزه یا پراکنده کردن آنان، هویت سرزمینی فلسطین تضعیف می‌شود. پیشنهاد تشکیل کشور فلسطینی در عربستان نیز ممکن است تلاشی برای منحرف کردن مطالبات تاریخی فلسطینیان و تقسیم جهان عرب باشد.

۴. از بین بردن تهدید حماس: اسرائیل و آمریکا به دنبال از بین بردن تهدید حماس و سایر گروه‌های فلسطینی اند که از نوار غزه به‌عنوان پایگاهی برای حملات علیه اسرائیل استفاده می‌کنند، جابه‌جایی جمعیت غزه می‌تواند این تهدید را به‌طور موقت کاهش دهد.

۵. رد طرح تشکیل کشور فلسطین در سرزمین‌های تاریخی: نتانیاهو با استناد به حادته ۲۰۲۳، هرگونه امکان ایجاد کشور فلسطینی مستقل در کرانه باختری و غزه را «تهدید امنیتی» برای اسرائیل می‌داند و معتقد است چنین کشوری به پایگاهی برای حملات آینده تبدیل می‌شود و در این راستا ضمن رد دوباره طرح تشکیل کشور فلسطین گفت: «تشکیل کشور مستقل فلسطینی به معنای پیروزی حماس و ایران است.»

۶. تلاش برای دور زدن شرط عربستان: عربستان سعودی بارها اعلام کرده که عادی‌سازی روابط با اسرائیل منوط به تشکیل کشور فلسطین است، به‌ویژه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و شروع جنایات و نسل‌کشی اسرائیل در غزه، عربستان بر پیش‌شرط خود تأکید کرد و فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان نیز در نشست «اتلاف برای راه‌حل دو دولتی» که آبان‌ماه در ریاض برگزار شد بر پابندی به راه‌حل دو دولتی برای حل نزاع فلسطین و رژیم صهیونیستی تأکید کرد و گفت: «تشکیل کشور فلسطین شرط عربستان برای پیشبرد عادی‌سازی روابط با اسرائیل است.» در چنین شرایطی، نتانیاهو با پیشنهاد انتقال این کشور به خاک عربستان، عملاً شرط ریاض را نادیده گرفته و سعی دارد مسئله را به گونه‌ای دیگر بازتعریف کند.

۷. همسویی با طرح‌های ترامپ: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد داده غزه پس از جنگ با پاک‌سازی شده و تحت کنترل آمریکا قرار گیرد و به یک منطقه گردشگری تبدیل شود. نتانیاهو با اشاره به «زمین‌های خالی عربستان»، گفتمان مشابهی را برای جابه‌جایی فلسطینیان تقویت می‌کند.

۸. نقش آمریکا در تحقق منافع استراتژیک: آمریکا تحت رهبری ترامپ احتمالاً به دنبال تقویت متحدان منطقه‌ای خود (مانند اسرائیل) است. کنترل غزه توسط آمریکا با متحدش این منطقه پایگاه نظامی یا سیاسی جدیدی برای نظارت بر منطقه غرب آسیا ایجاد کند.

۹. تحت کنترل گرفتن منابع: غزه دارای موقعیت ساحلی استراتژیک در مدیترانه است. جابه‌جایی مردم غزه کنترل آن می‌تواند به اسرائیل یا آمریکا امکان بهره‌برداری از منابع طبیعی یا توسعه پروژه‌های امنیتی را بدهد.

برای منافع آمریکا آن‌گونه که واشنگتن می‌خواهد وارد رویارویی حداکثری با ایران شوند؛ جز رژیم صهیونیستی که این نقش را پذیرفته‌است.

فاصله زیاد برای آمریکا مواب‌زبانی داشته، اما این عیب را هم دارد که نمی‌تواند به طور مؤثری با برخی از رقبای خود مواجه شود. نتیجه این نارسایی در خط تدارکاتی آمریکا، ناتوانی در مهار چین، روسیه، ایران و کره شمالی بوده است. نارسایی در خطوط تدارکاتی تنها مشکل واشنگتن نیست، بلکه ناآشنایی با محیط فعالیت نیز مزید بر علت است. نزادو ملیت اصلی مقاماتی که آمریکا برای مناطق جهان بر می‌گزیند، به خوبی این دل‌مشغولی را نشان می‌دهد. استفاده از زلمان خلیل‌زاد افغانستانی‌تبار در حوزه افغانستان و غرب آسیا، مقامات زردپوست در حوزه شرق آسیا و اتکا به یهودیان در امور غرب آسیا بخشی از این اتکا است. استفاده از یهودیان برای مسئولیت‌های دولت آمریکا در غرب آسیا، صرفاً ناشی از فشار لابی‌های یهودی برای حفاظت از رژیم صهیونیستی نیست، بلکه به‌زعم دولت آمریکا، یهودیان به دلیل توجه به غرب آسیا و تماس با تحولات آن، آگاهی بیشتری نسبت به این منطقه دارند.

آمریکا درصدد است با درس گرفتن از دشواری رقابت با قدرت‌ها در سرزمین‌های دوردست، بازی خود را توسعه دهد. بازی آمریکا قرار است از آن رو توسعه یابد که تعغیرش می‌تواند به معنای شکست این کشور باشد. به عبارتی دیگر اگر آمریکا بخواهد بازی رقابت خود با قدرت‌ها در سرزمین‌های دوردست را «تغییر» دهد، این اقدام به معنای رها کردن چنین رقابتی و صرفاً تمرکز بر محیط نزدیک خواهد بود، اما «توسعه» بازی توسط آمریکا این معناراً خواهد داشت که واشنگتن رقابت دوردست خود را بدون رها کردن مدیریت کرده، اما بر رقابت نزدیک متمرکز خواهد شد.

تمرکز اصلی بازی آمریکا، جلوگیری از قدرت‌گیری رقبای مناطق شان بوده است، اما مسیر دیگر می‌تواند تعمیق بهره‌برداری واشنگتن از محیط پیرامونی و بدون معارضش باشد. اگر آمریکا بر منابع کانادا و گرینلند دست‌اندازی کند، حتی فتح تایوان توسط چین نیز نمی‌تواند به یکن در رقابت جهانی با واشنگتن بین‌رساند. حرکت آمریکا به نوعی شبیه به حرکت امپراتوری عثمانی در اواخر عمرش است. در آن دوره دولتمردان عثمانی که با دشواری‌های حفظ سرزمین‌های عربی امپراتوری مواجه بودند به این فکر افتادند که به جای چنین سرزمین‌هایی به دنبال تسلط بر جغرافیای ترک‌نشین باشند.

۵. فضای آینده جهان، نوعی از چندقطبی است. در صورت شکل‌گیری جهان چندقطبی طی برخلاف نظام یکقطبی ودوقطبی، قدرت‌های منطقه‌ای نیز قابل ظهورند.

آمریکا برای جلوگیری از وقوع این رخداد درصدد بلعیدن کانادا و تضعیف مکزیک است. فضای متصلب جهان تکقطبی باعث می‌شد دولت‌هایی که دارای ظرفیت تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای هستند، یا تحت‌عنوان متحد، به سلطه آمریکا درآیند و یا آنکه تحت فشار این کشور قرار گیرند. در جهان دوقطبی نیز هرکدام از این کشورها عملاً در صف پاران آمریکا با شوری قرار می‌گرفتند.

۶. کسانی که بخش‌های مختلف آمریکا را کشف کردند، دارای روحیه ماجراجویانه بودند. بعدها نیز زندانیان و اقلیت‌های مذهبی اروپایی که در سیز با مآذها ب مسلط دولتی بودند پایه‌ای این کشور گذاشتند. آفریقایی تبارانی که در جنگ‌ها به اسارت درمی‌آمدند نیز گروه دیگری بودند که راهی آمریکا شدند. در داخل آمریکا این جمعیت‌ها همواره در سبیز برای توسعه قلمرو بودند و ضمن درگیری با سرخ‌پوستان، با دولت‌های اروپایی حاضر در این منطقه از انگلیس گرفته تا اسپانیا درگیر شدند. جنگ داخلی آمریکا نمونه بر چسته یک درگیری

فرهنگستان

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

۱۰. کاهش فشار بین‌المللی: جابه‌جایی جمعیت غزه می‌تواند به کاهش فشار بین‌المللی بر اسرائیل کمک کند؛ با حذف جمعیت فلسطینی از غزه، اسرائیل می‌تواند ادعا کند که مسئله فلسطینیان حل شده است.

۱۱. تغییر معادلات منطقه‌ای: کنترل آمریکا بر غزه می‌تواند معادلات منطقه‌ای را به نفع آمریکا و اسرائیل تغییر دهد؛ این مسئله همچنین می‌تواند به کاهش نفوذ ایران و سایر رقبای منطقه‌ای در منطقه منجر شود.

تأثیر اظهارات نتانیاهو بر روند عادی‌سازی روابط

یوسف السعدون، از اعضای مجلس مشورتی سعودی با اشاره به تبعات طرح‌های ترامپ و صهیونیست‌ها در رابطه با غزه، در مقاله‌ای در روزنامه عکاظ عربستان نوشت: «تا آویو از اظهارات ترامپ به‌عنوان ابزاری برای مذاکرات دیپلماتیک و عادی‌سازی روابط با کشورهای اسلامی از جمله سعودی استفاده می‌کند و با استفاده از بازی رسانه‌ای ترامپ به ایجاد جنجال می‌پردازد و قصد دارد افکار عمومی جهان را از محکومیت اشغالگری اش منحرف کند.» اصرار عربستان بر عدم تشکیل کشور فلسطین و رد پیشنهات نتانیاهو، نشان می‌دهد ریاض در شرایط کنونی حاضر به مصالحه بر سر این مسئله نیست. این اختلاف می‌تواند روند عادی‌سازی را به تأخیر اندازد یا حتی متوقف کند. همچنین اظهارات نتانیاهو تنها واکنش عربستان، بلکه مخالفت گسترده کشورهای عربی را به دنبال داشته است و این موضوع می‌تواند همگرایی کشورهای عربی علیه اسرائیل را تقویت کند.

واکنش‌های منطقه‌ای

وزارت خارجه عربستان سعودی پیشنهاد نتانیاهو را «جنایتکارانه» و «تقض حقوق تاریخی فلسطینیان» خوانده و تأکید کرده است که صلح پایدار تنها از طریق راهکار دو دولتی و تشکیل کشور فلسطین در سرزمین‌های اشغالی محقق می‌شود. عراق، مصر، اردن، امارات، کویت و عمان این اظهارات را «تحریک‌آمیز» و «تقض حاکمیت عربستان» دانسته و آن را محکوم کردند. برخی از این کشورها نیز بر ضرورت حمایت از حقوق فلسطینیان در سرزمین خود تأکید کرده‌اند. جنبش حماس این پیشنهاد را «استعمار» و «شان‌دهنده ذهنیت توسعه‌طلبانه اسرائیل» توصیف کرده و از مواضع عربستان تقدیر کرده است. احمد ابوالغیط، دبیر کل اتحادیه عرب نیز ضمن محکومیت اظهارات نتانیاهو تشکیل کشور فلسطینی را تنها در سرزمین فلسطین، به پایتختی قدس شرقی دانست و هر ایده دیگری را «خیال‌پردازی و توهم ذهنی» کسانی که از آن سخن می‌گویند، عنوان کرد.

تبعات منطقه‌ای طرح‌های استعماری

۱. افزایش تنش: این پیشنهاد باعث تشدید تنش میان اسرائیل و کشورهای

بزرگ بود که کشتاری عظیم به راه انداخت. پس از آن، این دخالت‌های منطقه‌ای آمریکا در قاره آمریکا و سپس سراسر جهان بود که ولع جنگ‌طلبی ساکنان این کشور را پاسخ می‌داد.

به‌نظر می‌رسد مقامات آمریکا درصددند برای جلوگیری از انفجار اوضاع در کشورو تخلیه‌ویا کنترل روحیه جنگ‌طلب‌وخشن ساکنان این کشور راهی بیابند. با مسدود بودن مسیر لشکرکشی‌های جهانی، بهترین مسیر پیش‌رویه زعم‌آن‌ها کشورگشایی در پیرامون است. در این صورت کم‌شورگشایی صورت گرفته ولع جنگ‌طلبان فرومی‌نشینند و هم فتح صورت گرفته قابل تثبیت است.

۷. رقابت با چین نیازمند پول و فناوری است که بخشی از آن در کانادا قرار دارد. آمریکا که درصدد گشودن معادن و منابع اوکراین و روسیه و همچنین اروپا با تضعیفشان در جنگ بود، حالا کانادا را نیز در دایره هدف خود آورده است. کشورهای اروپایی تضعیف‌شده در جنگ اوکراین باید طبق خواست آمریکا ظرفیت‌های صنعتی خود را از یکن گرفته و بیشتر از گذشته در اختیار واشنگتن قرار دهند.

۸. تسلط بر کانادا و گرینلند نقشه‌ای برای بلعیدن قطب شمال نیز ادراک می‌شود، چه اینکه روسیه تضعیف شده است. قطب شمال از لحاظ منابع موجود، بکر بودن آن‌ها، موقعیت جغرافیایی، در یانوردی و حتی گردشگری اهمیت دارد. آب شدن یخ‌های قطب شمال در پی روند گرم‌شدن کره زمین می‌تواند به بازگشایی مسیرهای دریایی در دریای شمال منجر شده و از سوی دیگر برداشت از ذخایر زیر بستر آن را تسهیل کند.

۹. ترامپ در اوکراین به دنبال یک معامله اساسی است. او از اوکراین خواسته تا معادن ارزشمند خود را در اختیار آمریکا قرار دهد. بخشی از این معادن برای حمایت‌های آمریکا از اوکراین طی جنگ به طور کامل در اختیار این کشور قرار خواهند گرفت. این معادن صرفاً باز پرداخت کمک‌های واشنگتن نیستند، بلکه شامل پرداخت هزینه برای موضع‌گیری‌های سیاسی آمریکا نیز می‌شوند. از این رو ارزش معادن اهدایی به آمریکا فراتر از ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. احتمالاً با توجه به وضعیت امنیتی اوکراین طی سال‌های آتی، هر سال مبالغ کلانی اسلحه و کالا از سوی آمریکا به این کشور ارسال خواهد شد که مابه‌ازای آن‌ها نیز معادن و منابع دیگری اند. به نظر می‌رسد علی‌رغم زیان‌بار بودن چنین اقدامی، مقامات اوکراینی ابایی از انجام این معامله ندارند، بلکه حتی مزایایی در آن برای خود قائل‌اند. به‌زعم مقامات دولت زلنسکی، قرار گرفتن اوکراین زیر یوغ آمریکایی‌تواند تهدید روسیه را دفع کند.

۱۰. شکل‌گیری یک هژمون جهانی به صورت دومر حله‌ای شکل می‌گیرد. در مرحله اول یک قدرت تبدیل به هژمون منطقه خود شده و در مرحله دوم از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای در دیگر مناطق جهان جلوگیری می‌کند. در پی این دو مرحله، قدرت مزبور تبدیل به هژمون جهانی نیز می‌شود. برای مدت‌ها آمریکا به عنوان هژمون آمریکای شمالی از شکل‌گیری هژمون در دیگر مناطق جهان از آمریکای جنوبی گرفته تا شرق اروپا، شرق آسیا و غرب آسیا جلوگیری کرد. این جلوگیری از طریق شبکه ائتلاف‌ها با متحدان صورت می‌گرفت. شکنده بودن اوضاع این متحدان در برابر قدرت‌های رقیب با آمریکا، این کشور را به سمت سنگر سازی برای خود سوق داده است. اگر روزی سنگر اوکراین در برابر روسیه و سنگر تایوان در برابر چین شکسته شود، این کشورها بیشتر از گذشته به بازیگری در آمریکا شمالی خواهند پرداخت تا قدرت واشنگتن را محدودتر کنند. آمریکا با چنین دورنمایی هم به دنبال تقویت تسلط خود بر آمریکای شمالی است.

فرهنگستان

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

📰 فرهنگستان
🌐 FARHIKHTEGANONLINE

عربی‌شده و احتمالاً به تحركات بیشتر گروه‌های مقاومت فلسطینی منجر خواهد شد.

۲. تقویت مقاومت فلسطینی و گروه‌های جهادی: پیشنهاد طرح‌های مبنی بر آوارگی اجباری مردم غزه می‌تواند به گسترش ناراضیاتی و تقویت گروه‌هایی مانند حماس یا جهاد اسلامی منجر شود. این امر امنیت اسرائیل را در بلندمدت نتهتا تأمین نخواهد کرد، بلکه تهدیدی علیه آن خواهد بود.

۳. تشدید بحران غزه: تمرکز بر جابه‌جایی فلسطینیان توجه جهانی را از بحران انسانی در غزه منحرف می‌کند و امکان دستیابی به آتش‌بس دائمی را کاهش می‌دهد.

۴. تضعیف جایگاه بین‌المللی اسرائیل و آمریکا: چنین طرح‌هایی احتمالاً با محکومیت گسترده سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و کشورهای جهان روبه‌رو خواهد شد. برخی کشورها نیز ممکن است از این فرصت برای کاهش نفوذ آمریکا در منطقه استفاده کنند.

۵. تضعیف مذاکرات صلح: این‌گونه اقدامات می‌تواند روند مذاکرات صلح را به‌شدت مختل کند و اعتماد بین طرفین را کاهش دهد.

۶. ضرورت بازگشت به راهکار دو دولتی: بسیاری از کشورها و نهاده‌ا از جمله سازمان ملل تنها راه‌حل پایدار را تشکیل کشور فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ می‌دانند. هرگونه انحراف از این مسیر بی‌ثباتی منطقه را تشدید خواهد کرد.

طرح‌های مطرح‌شده توسط اسرائیل و آمریکا بیش از آنکه راه‌حلی برای صلح باشد تلاشی برای تغییر واقعیت‌های میدانی و تحمیل شرایط یک‌جانبه‌اند. این اقدامات نه‌تنها بحران فلسطین را حل نمی‌کنند بلکه با نقض حقوق بین‌الملل و قوانین بشردوستانه به بی‌ثباتی گسترده در منطقه دامن می‌زنند. در واقع موضوع جابه‌جایی و آوارگی مردم غزه ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی و استراتژیک اسرائیل و آمریکاست و این ایده می‌تواند بخشی از یک استراتژی بزرگ‌تر باشد که شامل کنترل بیشتر بر مناطق شرق میانه و تغییر جمعیتی در نوار غزه است.

در چنین شرایطی مقاومت کشورهای عربی، واکنش سازمان‌های بین‌المللی و تحركات گروه‌های فلسطینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکست یا موفقیت این نقشه‌ها خواهند داشت. در این بین اظهارات اخیر نتانیاهو نیز نه‌تنها نشان‌دهنده عدم تمایل اسرائیل به پذیرش حقوق فلسطینیان است، بلکه تلاشی برای تغییر معادلات منطقه‌ای و نفع خود، هم‌سو با طرح‌های آمریکا، تاکتیک سیاسی برای منحرف کردن توجهات از طرح جابه‌جایی مردم غزه و کاهش فشارها و افکار عمومی بین‌المللی است. اهداف آمریکا و اسرائیل از این طرح به‌طور عمده کاهش تهدید حماس و ایجاد منطقه امنیتی در مرزهای اسرائیل است اما پیامدهای این طرح بسیار منفی و خطرناک خواهد بود؛ این پیشنهادات، به‌طور قطع با مخالفت شدید کشورهای عربی روبه‌رو خواهد شد و می‌تواند ضمن ایجاد فرصتی برای تضعیف روند عادی‌سازی روابط با عربستان، اتحاد کشورهای عربی و اسلامی را در دفاع از حقوق فلسطینیان تقویت کند.